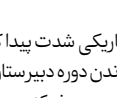


مردی با چشمان حادثه ساز – قسمت یازدهم

مرگ در گورستان متروک

خانم معلم هنگام جدایی از مرد بدشگون گفت:
- آقا کاظم مواظب خودتان باشید. ممکن است گورکن‌های طماع، توی قبرستان قدیمی در روشنی فانوس دنبال گنج بگردند، احتیاط کنید، به شما صدمه‌ای نزنند.



محمّد باوری

روزنامه‌نگار

آنکه تاریکی شدت پیدا کند به اتفاقی در مدرسه محل تدریس‌اش برسد. پس از گذراندن دوره دبیرستان، داوطلب شده بود از شهر محل زندگی خانواده‌اش به جزیره سفر کند و در آن آبادی به بهجه‌ها خواندن و نوشتن یاد بدهد. کاظم‌خان بدشگون که در آبادی به مرد باران ساز شهرت پیدا می‌کرد افسار اسبش را به تخته سنگی بست و به طرف قبرستان متروک قدیمی راه افتاد. به پشت دیوار فرو ریخته قبرستان که رسید از بغل دیوار نگاهش به یکی از مردان زده بود و در روشنی زرد ویرقانی نگاهش به مردی بود که در گودال حفاری شده به کندن ادامه می‌داد و با بیل خاک‌ها را بیرون می‌ریخت. در اطراف مرد سیاهیوش کبه‌های خاک نشان می‌داد، قاچاقچپانی بارها شبانه با قایق به جزیره رسیده‌اند و در این گورستان متروک دست به حفاری زده‌اند تا به گنج‌هایی پنهان دست پیدا کنند که در گذشته‌های دور دفن شده‌اند.

نقل محفل مردان در چایخانه بازارچه آبادی این بود که در قدیم دزدان و قاچاقچپانی شبانه به این جزیره می‌آمدند و طلا و جواهرات و اشیای عتیقه را در قبرستان کهنه آبدی دفن می‌کردند تا روزی برای تقسیم غنایم به جزیره برگردند اما با گذر زمان بسیاری از آنان کشته شده‌اند و گنج‌های پنهان همچنان در دل این گورستان مدفون مانده‌اند.

مرد بدشگون از پس دیوار فرو ریخته، مرد سیاهیوش را دید که با هیجان خاصی به مرد حفار در گودال دستور داد، باز بکن، داریم به چیزی می‌رسیم مرد! تو ای آن کوزه شکسته چی هست؟ یا شانس و اقبال... اووه... گنج...

امشب چشم‌های آقا بزگر، با دیدن سکه‌ها برق می‌زنند...

عجله کن مرد...

در این هنگام اسب که افسارش به تخته سنگ بسته بود با بی‌قراری شبیه کشید و یال‌های بلندش را پریشان کرد. کاظم بدشگون از ترس پشت دیوار شکسته کمر خم کرد تا خودش را به اسب برساند که مرد سیاهیوش با دیدنش هراسان از جا جست، در پی او دوید و با چوبدستی که در مشتش می‌فشرد از پشت بر سرش کوبید. کاظم بدشگون با این ضربه از دویدن باز ماند. با قدمی که به عقب برداشت تعادلش را از دست داد و نقش زمین

که شد، خون صورتش را پوشاند. آنکه در گودال عمیق زمین را می‌کند، با واژگونی فانوس روشن بر سرش، وحشت زده کمر راست کرد و چند بار سیاهیوش را صدا زد، اما جوابی نشنید. هراسان از گودال بیرون آمد و با دیدن جسد کاظم به مرد سیاهیوش گفت: وای مرد بیچاره را کشتی؟

سیاهیوش با خشم بر سرش داد زد:

- مردک چاه‌کن داد و فریاد راه نیندا، بیا دست و پای این مرد بدشگون را بگیریم توی یکی از گودال‌ها خاکش کنیم.

پیرمرد چاه‌کن که از اضطراب، چانه استخوانی اش به لقوه افتاده بود، پا پس کشید و با حال زاری گفت:

- نه، من دست به مرده این بیچاره نمی‌زنم. من را اجبر کرده‌ای تو این قبرستان قبرها را زیر و رو کنم که دنبال گنج بگردی اما برایت مرده کشتی نمی‌کنم.

مرد سیاهیوش با خشم پیرمرد را پس زد، هر دو پای جسد مرد باران ساز را گرفت، کشان‌کشان به داخل قبرستان بردش و درون یکی از گودال‌های عمیق که قاچاقچیان در جست‌وجوی گنج حفر کرده بودند، انداخت. بعد بیل را برداشت و شروع به ریختن خاک روی جسد کرد. با غرش رعد و برق باران شروع به باریدن کرده بود.

ادامه دارد

قتل خواهر برای ممانعت از طلاق

گروه حوادث/ مرد جوان که به‌خاطر ممانعت از طلاق خواهرش او را به قتل رسانده بود بزودی در شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه می‌شود.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از تیرسال ۹۷ با فوت مشکوک زنی ۳۷ ساله به‌نام لیلا در بیمارستان للمان تهران آغاز شد.

در حالی که نزدیکان این زن عنوان کرده بودند که لیلا با قرص خودکشی کرده اما کادر درمانی پس از معاینات اولیه اعلام کردند که او به سبب انسداد مجاری تنفسی‌اش فوت کرده است. این نظریه باعث شد تا پلیس تحقیقاتش را در خصوص شناسایی عامل قتل این زن بی‌بگیرد. در مرحله بازجویی دختر این زن که هنوز فکرمی می‌کرد مادرش خودکشی کرده، به موضوعی اشاره کرد که به نوعی اولین سرخس مأموران بود. او گفت: چند وقتی بود که پدر و مادرم با هم اختلاف داشتند. مادرم با مردی به‌نام یونس ارتباط پنهانی داشت. من و خواهرم در جریان این موضوع بودیم و به‌خاطر اینکه زندگی‌مان خراب نشود به پدرمان نگفتمیم اما دمام از مادرمان می‌خواستیم که ارتباطش را با یونس خاتمه دهد. اما آن مرد مادرم را تهدید می‌کرد که با پدرم جدا شود یا او پدرم را خواهد کشت و راه سومی هم برای مادرم گذاشته بود که اگر نمی‌تواند از پدرم جدا شود خودکشی کند.

پس از اظهارات دختر مقتول، یونس بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت اما تحقیقات نشان داد که او عامل قتل نبوده است.

تحقیقات ادامه داشت تا اینکه پدر لیلا با مراجعه به اداره پلیس اعلام کرد که او دخترش را کشته است و در توضیح آن هم گفت: چند روز پیش فردی به‌نام یونس با من تماس گرفت و تهدیدم کرد که مانع طلاق لیلا از شوهرش نشوم. او تأکید کرد که دخترم را دوست دارد و پس از طلاق لیلا می‌خواهد با او ازدواج می‌کند. من از عصیانیت به خانه گدا لیلا رفتم و از او خواستم تا ارتباطش را با یونس تمام کند اما او توجهی به حرف‌هایم نکرد و بین ما جر و بحث شدیدی درگرفت و من هم با دستم دهانش را گرفتم که خفه شد. پس از اعتراف پدر مقتول وی بازداشت شد و همه اعضای خانواده نیز رضایت خود را اعلام کردند اما مأموران مدتی بعد دریافتند پدر لیلا دروغ گفته و در زمان فوت دخترش در خانه خودش بوده بنابراین دوباره بازجویی را از سر گرفتند تا اینکه مشخص شد قاتل لیلا برادرش حمید بوده است.

وی در اظهاراتش گفت: وقتی موضوع ارتباط خواهرم با مرد غریبه را متوجه شدم به خانه‌اش رفتم و از او خواستم یونس را فراموش کند اما خواهرم گفت که شوهرش را دوست ندارد و زندگی‌اش هم به هیچ‌کس ارتباطی ندارد. من هم خواستم جلوی دهانش را بگیرم که خفه شد. در ادامه پدر حمید در دفاع از پسرش گفت: پس از قتل به‌خاطر اینکه پسرم در آستانه ازدواج بود و نمی‌خواستم در دسری برایش ایجاد شود قتل را گردن بگیرم. البته پسرم از ناموس و حیثیت و شرف خانوادگی‌مان دفاع کرده است.

این در حالی است که متهم دچار افسردگی شدید شده و باید تحت درمان قرار گیرد. با این حال رسیدگی به این پرونده به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران ارجاع شد تا متهم محاکمه شود.

■ یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۹۹
■ سال بیست و ششم
■ شماره ۷۳۶۹

جدال خانوادگی مرد چاه‌کن با قتل پایان یافت

گروه حوادث / کارمان علمدهی: مرد خشمگین که در اقدامی هولناک همسرش را با ضربه‌های جسمی نوک تیز به قتل رسانده بود در حالی دستگیر شده که پیش از این نیز بارها اعضای خانواده‌اش را مورد ضرب و جرح قرار داده و تهدید به قتل کرده بود.

به گزارش «ایران»، این مرد ۵۵ ساله که محمدعلی نام دارد نیمه شب چهارم خرداد امسال در حالی که همسرش فاطمه - ۴۸ ساله - را که در خواب بود با جسمی نوک‌تیز بشدت زخمی کرد، سپس به خانه برادرش رفت و در حالی که خبر مجروح کردن همسرش را به آنها داد از وی خواست کمکش کرده تا بتواند فرار کند. محمدرضا - داماد خانواده- در تشریح این ماجرا به «ایران» گفت: که با همسرش داشت با چند ضربه تبر می‌شد به هیچ‌کس رحم نمی‌کرد. او یک بار در سال ۹۴ به‌خاطر اختلافی که با همسرش داشت با چند ضربه تبر او را بشدت مجروح و راهی بیمارستان کرد. بعد از بهبود نسبی به اتفاق مادر همسرم از او شکایت کردیم اما وقتی پدرزنم از ماجرا آگاه شد یک شب وقتی که خواب بودم با جسمی سخت به من حمله کرد و چند ضربه به سرم زد که بشدت مجروح و راهی بیمارستان شدم. وی در ادامه افزود: چند ماه بعد نیز متهم به خاطر اختلاف با جانقاش نیز بازداشت شد. اما بعد از آنکه او شکست و چند روزی در بیمارستان بستری بود و بعد از عمل جراحی

سرقت شبانه مردان بیلیارد باز از آرایشگاه‌های زنانه

گروه حوادث / زن مطلقه به‌همراه سه مرد بیلیارد باز، نقشه سرقت از آرایشگاه‌های زنانه را اجرا می‌کردند.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اواخر سال گذشته زن جوانی هراسان با پلیس تماس گرفت و از ورود سارقان نقاب دار به آرایشگاهش و سرقت اموالش خبر داد و گفت: در آرایشگاه مشغول کار بودیم که ناگهان دو مرد که کلاه به سر داشتند و به صورت هایشان ماسک زده بودند وارد سالن زیبایی شدند و با تهدید چاقو پول‌های صندوق و طلاهای مشتریان را گرفتند وقتی یکی از مشتری‌هایم مقاومت کرد با چاقو به او ضربه‌ای زدند.

■ **راز سرقت‌های شبانه**

با شکایت زن جوان تحقیقات کارآگاهان برای دستگیری دومرد نقاب‌دار آغاز شد اما در ادامه کارآگاهان با شکایت‌های مشابه دیگری مواجه شدند.

از آنجایی که متهمان سرقت‌ها را در شب انجام می‌دادند، بازبینی دوربین‌های مدار بسته به آنها کمک نکرد. چرا که تصویر متهمان و شماره پلاک خودروی آنها قابل رؤیت و پیگیری نبود.

تا اینکه در تحقیقات پلیسی ردپای یک زن در سرقت‌ها به‌دست آمد و مشخص شد قبل از همه سرقت‌ها، یک زن به‌عنوان مشتری وارد آرایشگاه شده و بدون آنکه کاری انجام دهد، آرایشگاه را ترک کرده است.

■ **آخرین سرقت**

بررسی‌ها به دستور بازپرس شعبه پنجم دادرای ویژه سرقت ادامه داشت تا اینکه یک هفته قبل سرقتی دیگر با همان شیوه از سوی مردان نقاب‌دار انجام شد.

مأموران بلافاصله به بازبینی دوربین‌های مدار بسته اطراف محل سرقت پرداختند. این بار اما از آنجایی که سارقان در روز سرقت‌شان را مرتکب شده بودند مأموران موفق شدند شماره پلاک خودروی آنها را که یک پراید بود و تصاویر متهمان به‌دست آورد. شماره پلاک خودروی پراید استعلام و مشخص شد که خودرو مدتی قبل به سرقت رفته است. طبق اطلاعات موجود در پرونده متهمان به‌عنوان سارق سوار خودروی پراید شده و با تهدید راننده با چاقو خودرو را به سرقت برده‌اند.

تصویر زن ناشناسی که دوربین‌های مدار بسته به پلیس

قاتل کارگر نمایشگاه در ایستگاه آخر

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۴ اردیبهشت سال ۸۵ جسد مرد جوانی در چاه آسانسور نمایشگاه بین‌المللی تهران پیدا شد و پرونده‌ای جنایی را در مقابل تیم تحقیق قرار داد. در بررسی‌های اولیه هویت مقتول به‌نام مهرعلی، ۴۰ ساله از کارگران نمایشگاه بر ملا شد. معاینات پزشکی قانونی علت مرگ را اصابت جسم سخت به سر اعلام کرد. در ادامه بررسی‌ها عامل این جنایت که همکار مهرعلی بود دستگیر شد. امیر که آخرین بار با مقتول دیده شده بود و اختلاف قدیمی او با مقتول انگیزه‌ای شد تا تیم جنایی او را بازداشت کند. امیر بعد از جنایت محل را ترک کرده بود و وقتی مأموران برای بازداشت او راهی شهرستان شدند متوجه شدند او فرار کرده است و همین موضوع فرضیه جنایت را قوت بخشید.

تحقیقات برای دستگیری متهم فراری ادامه داشت تا

نیز برای حفاری به بیابان‌های اطراف یافت و کرمان می‌رفت. اما او رفتارهای عجیبی داشت خیلی زود عصبانی می‌شد و شروع به تهدید و فحاشی و ضرب و جرح می‌کرد به نحوی که هیچ یک از اعضای خانواده امنیت جانی نداشتند. پدر همسرم وقتی عصبانی می‌شد به هیچ‌کس رحم نمی‌کرد. او یک بار در سال ۹۴ به‌خاطر اختلافی که با همسرش داشت با چند ضربه تبر او را بشدت مجروح و راهی بیمارستان کرد. بعد از بهبود نسبی به اتفاق مادر همسرم از او شکایت کردیم اما وقتی پدرزنم از ماجرا آگاه شد یک شب وقتی که خواب بودم با جسمی سخت به من حمله کرد و چند ضربه به سرم زد که بشدت مجروح و راهی بیمارستان شدم. وی در ادامه افزود: چند ماه بعد نیز متهم به خاطر اختلاف با جانقاش نیز بازداشت شد. اما بعد از آنکه او شکست و چند روزی در بیمارستان بستری بود و بعد از عمل جراحی

سرقت شبانه مردان بیلیارد باز از آرایشگاه‌های زنانه



داد را از این باند را فاش کرد. کارآگاهان در تحقیقات محلی موفق شدند هویت زن جوان را شناسایی او او را بازداشت کنند. متهم در تحقیقات منکر سرقت‌ها شد، اما مدارک پلیسی باعث شد که زن جوان راز سرقت‌های سریالی را آرایشگاه‌های پایتخت را بر ملا و سه همدمست خود را معرفی کند. با اعتراف زن جوان، سردهسته این باند که صاحب باشگاه بیلیارد بود و دو همدمستش بازداشت شده و به جرم خود اعتراف کردند. به‌دستور بازپرس ایرد موسی، متهمان در اختیار اداره آگاهی قرار گرفته و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

■ **گفت و گو با صاحب باشگاه بیلیارد**

■ **چرا وارد سرقت شدی؟**

در میان افرادی که به باشگاه من می‌آمدند با بهروز و پژمان بیشتر دوست شدم، آنها از مشکلاتشان گفتند و اینکه وضع مالی خوبی ندارند. البته با توجه به وضعیت کرونا کار و کاسبی من هم گساد شده بود و به سختی می‌توانستم هزینه‌هایم را پرداخت کنم. یک شب که در باشگاه نشسته بودیم به جای بیلیارد سفره‌های دلمان را برای هم باز کردیم. نمی‌دانم کدام یکی از ما پیشنهاد سرقت را داد، اما بقیه هم استقبال کردند.

گروه حوادث/ مرد جوان که ۱۴ سال قبل دوست و همکارش را به قتل رسانده بود، در زندان رجایی شهر به دار مجازات آویخته شد.

اینکه یک سال بعد تعقیب تیم جنایی به پایان رسید و متهم جوان دستگیر شد. او در تحقیقات گفت: من و مهرعلی هر دودر نمایشگاه بین‌المللی کارگر بودیم اما من به‌دنبال کار دیگری می‌گشتم تا در آمد بیشتری داشته باشم. در نهایت به این نتیجه رسیدم که قاچاق مواد مخدر انجام دهم ولی برای این کار هم نیاز به پول داشتم. به سراخ مهرعلی پیشنهاد پول بگیرم اما وقتی درخواستم را مطرح کردم او مخالفت کرد و من بشدت از دست او عصبانی شدم. متهم جوان ادامه داد: چند روز قبل از حادثه یک میله آهن ۳۰ سانتیمتری خریدم و در طبقه هفتم پارکینگ نمایشگاه بین‌المللی که محل استراحت‌مان بود پنهان کردم. روز حادثه، من و مقتول در استراحتگاه‌مان تنها بودیم و دوباره موضوع پول را مطرح کردم. اما وقتی جواب منفی داد از شنیدن این حرف بشدت عصبانی شدم و میله آهنی که از

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

ایران

اقدام عجیب برای کسب درآمد

گروه حوادث / مرد جوان برای کسب شهرت و درآمدزایی در فضای مجازی و افزایش فالوور در اینستاگرام عکس‌های نا متعارف خود را منتشر کرد. سرهنگ نظام موسوی ، سرپرست پلیس فتای فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران در تشریح این خبر گفت: مدتی قبل کارشناسان پلیس فتا در جریان‌صدهای خود در فضای مجازی با تصاویر نامتعارف مردی در اینستاگرام روبه رو شدند و مأموران تحقیقات خود در این زمینه را آغاز کرده و دریافتند که راننده این صفحه، چندین صفحه دیگر را نیز با همین شیوه راه‌اندازی کرده است. وی با بیان اینکه رسیدگی به این پرونده به طور ویژه در دستور کار قرار گرفت، تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتا با انجام اقدامات فنی متهم پرونده را که در یکی از شهرستان‌های غرب استان تهران سکونت داشت شناسایی و دستگیر کردند.

متهم گفت: به دلیل مشکلات مالی تصمیم گرفتم راهی برای پولدار شدن پیدا کنم و بهترین راه برای درآمدزایی را در افزایش فالوور در اینستاگرام دیدم و می‌خواستم با این کار تبلیغ و سفارش جذب کنم. به همین دلیل هم با تهیه عکس‌های نامتعارف از خودم و انتشار آن در اینستاگرام به دنبال افزایش فالوور بودم.

بازی مرگ

۲ پسر خاله زیر دیوار



گروه حوادث/ ریزش دیوار روی دو پسر بچه در ولیک چال دودانگه ساری جان این کودکان را گرفت.

به‌گزارش خبرگزاری فارس از ساری، عصر روز جمعه ۲۳ خرداد دو پسر ۶ و ۷ ساله که سرگرم بازی بودند بر اثر سقوط دیوار و فرو ریختن آوار، به‌شدت مصدوم شدند که بلافاصله با اورژانس به مرکز درمانی سنگده منتقل شده و سپس به بیمارستان شهدای زرباب اعزام شدند اما بر اثر شدت آسیب به سر این دو نفر جان خود را از دست دادند. زکریا شک‌پور سخنگوی مرکز اورژانس مازندران، با تأیید این خبر گفت: این حادثه در روستای ولیک چال اتفاق افتاده بود و مصدومان که دو پسر بچه بودند قبل از رسیدن به بیمارستان جان باخته بودند. تحقیقات برای بررسی علت این حادثه ادامه دارد.

دزدی‌های شاگرد طلاسازی لورفت

گروه حوادث / کارگر کارگاه طلاسازی که بیش از ۱۰۰ گرم طلا سرقت کرده بود از سوی پلیس دستگیر شد. به‌گزارش خبرنگار «ایران»، شامگاه بیست و دوم خرداد صاحب یک کارگاه طلاسازی واقع در محدوده بازار به کلانتری ۱۱۳ بازار مراجعه کرد و اظهار داشت، مدتی است از کارگاه طلاسازی اش مقداری طلا سرقت می‌شود و سرخ‌هی هم از سارق یا سارقان ندارد.

با ثبت اظهارات شاکی مأموران کلانتری بازار ضمن انجام تحقیقات لازم، محل سرقت را مورد بازرسی و بازبینی قرار دادند و مشخص شد هیچ‌گونه آثار تخریب مبنی بر ورود سارق یا سارقان به‌کارگاه مالباخته وجود ندارد؛ بر همین اساس فرضیه داخلی بودن سرقت قوت گرفت و در این خصوص بررسی‌های لازم انجام و پس از انعکاس موضوع به مرجع قضایی دستور تحقیقات از کارگران شاغل در کارگاه صادر شد.

در تحقیقات پلیسی، یکی از کارگران به‌نام «وحید» اظهاراتش را به پلیس داد و د چهار دستپاچگی بود که ظن مأموران به وی بیشتر شد، در ادامه تحقیقات پلیسی، کارگر طلاسازی لب به اعتراف گشود و اظهار داشت: مدت ۲۵ روز است که کش رو زنی طلا را از کارگاه انجام می‌دهم و طلاهای مسروقه را به خانه‌ام واقع در جوادیه انتقال داده‌ام.

سرهنگ «دوستعلی جلیلیان» سرکلانتر هفتم پایتخت، در این باره گفت: این کارگر ۱۳۴ گرم و ۵۸۰ سوت «طلا» به ارزش یک میلیارد ریال از کارگاه کش روی کرده بود که در بازرسی او مخفیگاه متهم طلاها پیدا شد.